

#### زنان

#### حمایتی که دریغ می‌شود

• آيا زنان، به دليل اينكه روسری سر می‌کنند، در موقعیت‌های روزمره دچار تبعیض می‌شوند؟ برای پی‌بردن به پاسخ این پرسش، محققان آمریکایی، آزمون‌های پیچیده‌ای را با حضور بیش از هفت هزار رهگذر در ایستگاه‌های متروی آلمان انجام داده‌اند. این تحقیق در اشپینگل منتشر شده و محمدتقی شریعتی آن را برای سایت باشگاه اندیشه ترجمه کرده است. بخش‌هایی از این گزارش در ادامه می‌آید.

مردی، لیوان قهوه خود را ناشیانه در سکوی راه‌آهن می‌اندازد. زنی جوان که منظر قطار است، از مرد می‌خواهد که آشغالش را بردارد. سپس موبایل آن زن جوان زنگ می‌خورد، وقتی او تلفنش را جواب می‌دهد، پلاستیک پرتقال از دستش می‌افتد. بازیگران، در جریان این تحقیق، صداهای این صحنه را در ایستگاه‌های قطار آلمان بازسازی می‌کنند: هدف محققان آمریکایی از این آزمایش‌ها این بود که بدانند چهره و پوشش زن در این ماجرا، چه نقشی ایفا خواهد کرد. آيا زن سفیدپوست، از زنی که قیافه‌اش به مهاجران می‌خورد یا زن محجبه‌ای که روسری بر سر دارد، حمایت بیشتری به دست می‌آورد؟

بیشتر وقت‌ها، پاسخ پرسش بالا، مثبت است. چنانچه محققان در مقالات آکادمی ملی علوم ایالات متحده آمریکا گزارش می‌دهند، زنان بدون روسری در ۸۴ درصد از موارد کمک دریافت می‌کنند، درحالی‌که زنان با روسری، تنها در ۷۳ درصد از موارد، یاری می‌شوند. این نتیجه از حدود ۳۰ ایستگاه در ایالت‌های نوردراین- وستفالن، زاکسن و براندنبورگ به دست آمده است. محققان، در طول سه هفته در فاصله ماه‌های جولای و آگوست سال ۲۰۱۸، درمجموع هزار و ۶۱۴ بار چنین صحنه‌هایی را زیر نظر گرفتند. بیش از هفت هزار رهگذر، بی‌آنکه اطلاعی از این تحقیق داشته باشند، در آن شرکت کرده بودند.

آن مردی که در صحنه‌ها بازی کرده است، همواره سفیدپوست انتخاب شده بود. زنان یا سفیدپوست بودند یا اینکه تبار ترکی، کردی، مصری یا سوری داشتند. به منظور پی‌بردن به اینکه کدام عوامل در تبعیض مؤثرند، محققان صحنه را تغییر دادند. اگر زن آن مرد را به‌خاطر پرت‌کردن لیوان سرزنش نمی‌کرد، عموماً به ندرت کمکی به او می‌شد. نتیجه به‌دست‌آمده در این موقعیت این بود که به زن آلمانی سفید، در ۷۳ درصد از موارد و به زن محجبه، در ۶۰ درصد از موارد کمک شده است.

در برخوردی مشابه، از زن محجبه حمایت کمتری شد. باوجوداین، سرزنش‌کردن مرد، برای



زن محجبه تاثیر مثبتی داشته است. در این موقع، تقریباً در بیشتر موارد به همان میزانی به او کمک می‌شد که به زن سفیدپوست و بی‌تفاوت به آشغال در ایستگاه کمک شد. سرگروه این مطالعه، نیکولاس سامبانیاس، از دانشگاه پنسیلوانیا، بیان کرده است: «ما دریافتیم که پیش‌داوری در مقابل مسلمانان بسیار آشکار است و نمی‌توان از طریق رفتارهای جامعه‌پسند، مانند توقف برای جمع‌آوری زباله بر آن فائق آمد. علت اینکه برای این آزمون، آلمان را انتخاب کرده‌ایم، این بود که آلمانی‌ها به طور خاص، منظم تلقی می‌شوند».

یافته دیگر این بررسی: زن یک بازیگر با پس‌زمینه مهاجرتی بدون روسری، لباس ساده و صلیب یا بدون نماد مذهبی روی‌هم‌رفته عیناً مثل زن سفیدپوست کمک دریافت می‌کند. محققان نتیجه می‌گیرند که روسری و علائم مذهبی نسبت به قیافه نقش بیشتری در برخورد با مهاجران ایفا می‌کنند. آنها، با درنظرداشتن تحقیقی که انجام داده‌اند، می‌نویسند که «هیچ نشانه‌ای از تبعیض، به خودی‌خودی پیدا نکردیم». البته آنها از رهگذران نرسیدند که آیا به یک زن محجبه به علت تعلق آشکارش به اسلام کمک نکرده‌اند یا عوامل دیگری در این امر نقش داشته است؛ به‌طورمثال می‌توانند بگویند که به‌خاطر داشتن روسری متهم می‌شود که میلی به یکی‌شدن (با جامعه آلمانی) ندارد.

اولریش واکتر، روان‌شناس اجتماعی دانشگاه ماربورگ که در این تحقیق مشارکت کرده بود، می‌گوید: «نمادهایی وجود دارند که دال بر خارجی‌بودن هستند». می‌بایست بر این موضوع صحنه گذاشت که اکنون این امر در آلمان، به راستی مشخصه آشکار تعلق اسلامی است.

به زعم واکتر، طرد افرادی که به گروه‌های معینی تعلق دارند، به طور مداوم و در بسیاری از جوامع، پیش می‌آید. اینکه درحال‌حاضر، کدام گروه‌ها طرد شده‌اند، به شرایط اقتصادی و اجتماعی وابسته است.

# شرق روزنامه

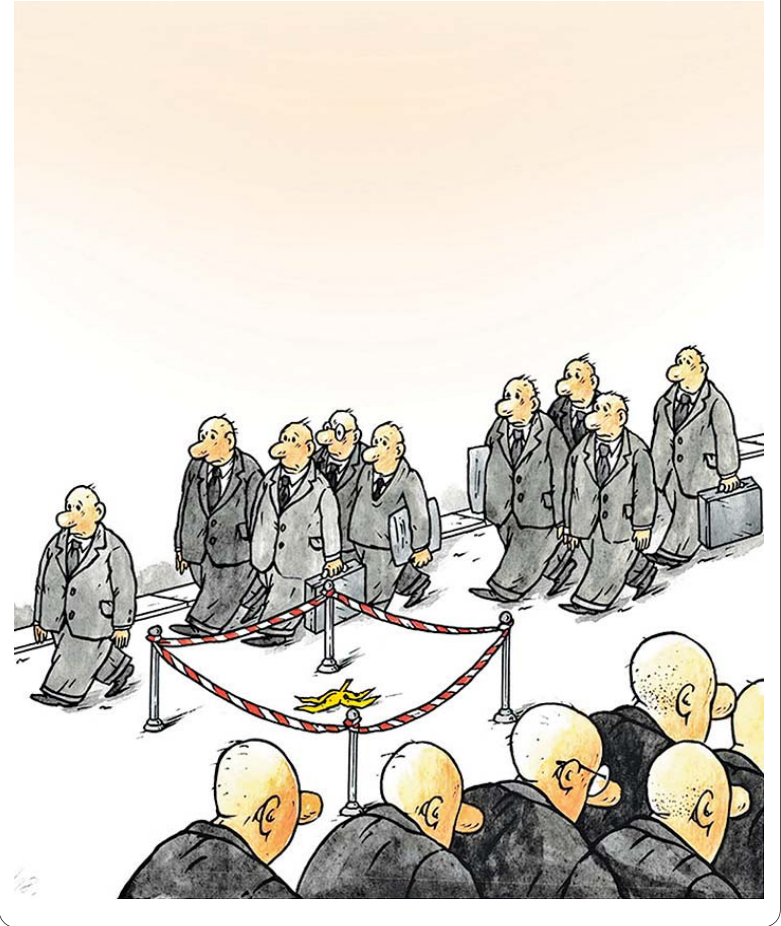
www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۸ = ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ = ۸ دسامبر ۲۰۱۹
سال هفدهم - شماره ۳۵۹۱ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ = اذان مغرب ۱۷:۱۱ = اذان صبح فردا ۵:۲۲ = طلوع آفتاب ۷:۰۲

### روزنفر۱۰

#### کارتون خواب

ولادیمیر سمرنکو



#### آن‌سوی جهان

### گر تا تسلیم می‌شود

گرتا تونبرگ در جمع فعالان محیط زیست اعلام کرد: «اعتراضات و اعتصابات مدارس درباره تغییرات اقلیمی هیچ فایده‌ای نداشته است». این خبری است که گاردین دیروز از فعال محیط زیست سوئدی نوجوان منتشر کرد. گرتا در مادربد از به‌نتیجه‌نرسیدن تظاهرات، اعتصابات و واکنش‌های دانش‌آموزان و مردم سراسر جهان گفت و اینکه بعد از حدود یک سال از برگزاری تظاهرات و اعتراضات مدرسه‌ای به تغییرات اقلیمی هیچ نتیجه‌ای عاید نشده و انتشار گازهای گلخانه‌ای همچنان در حال افزایش است».

او گفت: «ما بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شویم و صدای ما بیشتر شنیده می‌شود، اما به جنبش سیاسی بدل نشده‌است» و البته جمله نامیدکننده‌ای را هم اعلام کرد که نشان از تسلیم‌شدن او و دیگر دانش‌آموزان و هم‌سوسالانش دارد: «ما نمی‌توانیم همین‌طوری ادامه دهیم؛ این روال نیست که کودکان از مدرسه بیرون بیایند و اعتصاب کنند. ما نمی‌خواهیم ادامه دهیم. امروز مردم رنج می‌کشند و می‌میرند. ما دیگر نمی‌توانیم صبر کنیم». انتظار می‌رود هزاران نفر روز جمعه در حاشیه کنفرانس اقلیمی سازمان ملل در خیابان‌های پایتخت اسپانیا برای اعتراض به عدم پیشرفت در مقابله با شرایط اضطراری تغییرات اقلیمی تجمع کنند. قرار است مقامات بیش از ۱۹۰ کشور جهان درباره توافق پاریس بار دیگر جمع شوند.

در چهار سالی که از امضای توافق‌نامه پاریس می‌گذرد، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای چهار درصد افزایش یافته است و انتظار نمی‌رود که مذاکرات امسال هم بتواند تعهدات جدیدی را برای بزرگ‌ترین کشورهای آینده جهان ایجاد کند. اعتراضات فردی تونبرگ از سال ۲۰۱۷ تاکنون



یومیان آمریکای جنوبی در برنامه اعتراضی مادرید حضور داشتند و به آتش‌سوزی جنگل‌های آمازون واکنش نشان دادند.

عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

هفته گذشته را در تهران تیره و تار از ذرات معلق گذراندیم، به امید «باد»ی که بیايد و ما را نجات دهد. متأسفانه گرانی سه‌برابری بنزین با وجود هزینه جانی و مالی آن و صداآلوده همراه با تعطیلات مراکز آموزشی، ممنوعیت یک در میان حرکت ماشین‌های پلاک‌های زوج و فرد، همه و همه نتوانستند که وسایل نقلیه دودزا را کم‌رفت‌وآمدتر کنند. گرچه «باد» نیامد، اما خبرهای ناگوار پشت سرهم آمد. در میان آنها، خبر رسید که نصرت کریمی، هنرمندی تمام‌عیار، پس از چند روز ترک بیمارستان برای همیشه ما را ترک کرد. گرچه باد همه ما را خواهد برد، ولی شاهدبودن با‌دبردن عزیزی چون نصرت کریمی، سخت است.

با عباس کیارستمی همداستانم که «درشکه‌چی» نصرت کریمی، اولین و برجسته‌ترین فیلم‌نورنالیستی سینمای ایران است. در واقع ۳۴ سال بعد از ساخته‌شدن فیلم (سال ۸۳) است که وقتی کیارستمی دوباره فیلم درشکه‌چی را با بایک کریمی در ایتالیا می‌بیند، به چنین حکمی می‌رسد. من هم چون کیارستمی نمی‌دانستم که پسر بازیگوشی که در فیلم ختنه می‌شود، همان بایک کریمی امروزر ما، بازیگر و تدوینگر خوب سینما است. راستش فیلم درشکه‌چی به خاطر همین سکانس درخشان ختنه‌سوران است که سال‌ها در ذهن مغز من پایدار مانده است. طنز تلخ اجتماعی- فرهنگی و انسان‌فشرده‌شده‌ای در این سکانس گنجانده شده است که نشان می‌دهد چرا نصرت کریمی از کودکی عاشق کارهای چارلی چاپلین بوده و خصوصیات هنر نمایشی کمدی و طنز اجتماعی این هنرمند را در مغز خود به تمرین درآورده و پرورانده است. نصرت کریمی ترازوی نهفته در بطن کمدی اجتماعی را خوب می‌شناسد. در این سکانس، به‌ویژه وقتی غلام‌علی (درشکه‌چی) به اتفاق لوطی‌های دوره‌گرد، با ساز و آواز وارد حیاط خانه می‌شوند و زن‌دالی که چادر همراه ندارد، دامان پیراهنش را به

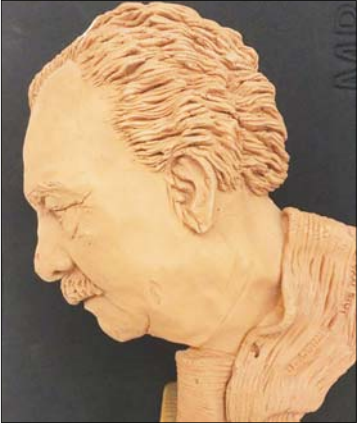
#### مغز اجتماعی-۹۴

## مردی از تبار هنر از میان مارفت

سرش می‌کشد و از پله‌های اتاق بالا می‌رود، صحنه‌ای از کمدی ناب است که به قول خود نصرت کریمی در هنگام نمایش‌های اولیه موجب واکنش‌های کاملاً متناقضی در شمال و جنوب شهر تهران می‌شود.

نصرت کریمی چه در چهره‌پردازی، چه در بازیگری و کارگردانی تئاتر، سینما و چه آنگاه که ممنوع‌الکار می‌شود و به صورتک‌سازی مشغول می‌شود، در همه احوال هنرمندی خلاق است. از روی نحوه نگاه انضمامی، جسمانی و این‌دنیایی او به مقوله هنر، می‌توان نظریه‌ای هنری بر اساس یافته‌های مغزپژوهی امروز بنا نهاد.

نصرت کریمی را پس از سکنه مغزی بیشتر شناختم. از او خواستم تا در دوازدهمین سال‌برایی سمینارهای مغزپژوهی (مهر ۱۳۸۷)، در یکصدونودمین جلسه آن که درباره «نقش چهره در تعاملات اجتماعی و هنر» بود، شرکت کند. او در این جلسه درباره تجربیات ارزشمند خود و صورتک‌هایی که در سال‌های محرومیت خود از بازیگری و کارگردانی سینما و تئاتر و تلویزیون، قبل از سکنه مغزی، ساخته بود برای ما گفت. اما موضوع مهمی که من از این هنرمند برجسته ازموختم، نحوه برخورد متفاوت و غیرمنتظرانه او با از‌دست‌دادن میدان‌بینایی طرف‌چپ، بر اثر سکنه و آسیب ناحیه پشتی مغز در نیم‌کره راست بود. اغلب بیماران برای‌شان مشکل است که اختلال‌بینایی در طرف



مغز و بدن توجه و تمرکز کنند.

در یکی از ملاقات‌هایی که با نصرت کریمی داشتم او مجسمه نیم‌رخ‌ی از چهره خود را به من هدیه داد. با کمال شگفتی دریافت‌م نیم‌رخ‌چپ چهره او در حال نگاه‌کردن به جلو پایین است. اگر از دید او به دنیا نگاه کنیم، او به نیمه‌ای از چهره‌اش پرداخته است که در میدان‌بینایی مغز سکنه‌کرده‌اش چیزی دیده نمی‌شود. اما اگر او به آینه نگاه کرده و چهره‌سازی کرده باشد، او رواقع نیمه راست صورت خود را به جای نیمه‌چپ ساخته و به ما ارائه داده است که فضای بیرونی قابل رؤیت او را نیز شامل می‌شود. به نظر من این نیم‌رخ ساخته‌شده خود بازیگوشی هنرمندانه نصرت کریمی با ساختن نیم‌چهره‌ای از خود است که سکنه مغزی موجب اختلال میدان‌بینایی یک‌طرفه‌اش شده و نمی‌داند خود را از بیرون از جانب سوم شخص عرضه کند یا از بیرون از جانب اول شخص. در هر حال این نیم‌رخ او برای من هدیه گران‌قدر و تأمل‌برانگیزی از سوی هنرمندی تمام‌عیار است. لازم دیدم که عکسی از این نیم‌رخ ساخته‌شده را با شما خواننده این نوشتار به اشتراک بگذارم. یادش گرامی باد.

#### تلنگر

### حذف «زباله‌گردی» آرزو یا دستور اداری!

طبق ماده (۱) این کنوانسیون «هر یک از کشورهای عضو که به این مقاله‌نامه ملحق می‌شوند باید تدابیر فوری مؤثری را برای تأمین ممنوعیت و محو بدترین اشکال کار کودک به عنوان یک فوریت اتخاذ نمایند». همچنین بر اساس ماده سه «بدترین اشکال کار کودک» نیز تعیین شده‌اند که از جمله آنها طبق بند (د) همین ماده کاری که، به دلیل ماهیت یا شرایط آن، احتمال دارد برای سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان ضرر داشته باشد، است. بر اساس مقاله‌نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار آیین‌نامه اجرایی تبصره‌های یک و دو آن در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ در هیئت وزیران تصویب و طی نامه شماره ۶۶۵۰ ت ۶۶۷۹ درمورخ ۱۳۸۳/۳/۹ ابلاغ شده است. طبق ماده (۱) این آیین‌نامه فهرست کارهای مضر برای افراد کمتر از ۱۸ سال مشخص شدند که از جمله آنها درباره زباله‌گردی کودکان است. در بند (۴) این ماده «کار در گنداب‌روها، جمع‌آوری، حمل و دفن زباله شهری» برای کودکان ممنوع شده است. مقررات دیگری از قبل آیین‌نامه ساماندهی کودکان کارگردان هم در تاریخ ۱۳۸۴ در هیئت وزیران تصویب شده است. پس ممنوعیت کار کودکان در حوزه زباله‌گردی هم مورد توافق و اجماع جهانی است و هم در مصوبات داخلی کشور این موضوع تصریح شده است بنابراین موضوع جدیدی نیست.

مشکل اینجاست که دستگاه‌های ناظر بر اجرای این مصوبات به‌درستی عمل نمی‌کنند. طبق آمار ارائه‌شده در نشست تخصصی آسیب‌شناسی زباله‌گردی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی که در شانزدهم مهر ۱۳۹۸ برگزار شد، آمار غیررسمی از وجود چهار هزار و ۲۰۰ کودک زباله‌گرد که در تهران خبر می‌دهد، که ۴۰ درصد آنان تنها نشان‌آور خانه هستند و بین ۱۰ تا

سیدحسین موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

هر از چند گاهی که اتفاقی برای کودکان کار و خیابان می‌افتد، روی موج خبرگزاری‌ها و به‌طور کلی رسانه‌ها موضوعاتی از قبیل «ساماندهی کودکان کار و خیابان انجام می‌شود»، «زباله‌گردی کودکان حذف می‌شود یا ممنوع است» و... از سوی مسئولان مرتبط به شکل‌های مختلف منتشر می‌شود؛ از جمله اینکه بعد از اتفاقی که در البرز برای یکی از کودکان کار افتاد و در داخل سطل زباله انداخته شد، این نوع اخبار را دوباره می‌شنویم و می‌بینیم. در این یادداشت ابتدا به موضوع کار کودکان و زباله‌گردی از منظر قوانین و مقررات و معاهدات بین‌الملل پرداخته می‌شود سپس به جنبه‌های دیگر موضوع اشاره خواهد شد. یکی از قوانین مرتبط در این حوزه قانون کار جمهوری اسلامی ایران است که در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۲۹ تصویب رسیده و در نامه شماره ۱۲۴۳۵۶ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۲ ابلاغ شده است. در ماده (۷۹) این قانون به‌کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است که برخی از کودکان زباله‌گرد دقیقاً مرتبط با همین ماده قانونی هستند.

علاوه بر این، قانون داخلی کشور، ایران معاهدات بین‌المللی را نیز درباره کار کودک پذیرفته است که در حال حاضر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مسئول پیگیری اجرای مقاله‌نامه ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار را بر عهده دارد که ایران نیز کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک را در آبان‌ماه ۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسانده است.

#### اندوه‌ملی و درس‌هایی از آن

چشم‌انداز ایران‌دا شماره ۱۱۸ آبان و آذر در حالی منتشر شد که یکی از تیرهای اصلی آن «بزینی که نسوخت؛ سوزاند» است. لطفاًالله میمیی، مدیرمسئول این دومانه‌ماهه اجتماعی و سیاسی، در سرمقاله «اندوه ملی و درس‌هایی از آن» به ابعاد حوادث غمبار آبان امسال پرداخته و سعی داشته به طور مجمل به درس‌های این واقعه بپردازد؛ درس‌هایی نظیر حرکت بر م قانون اساسی که به نظر می‌رسد فراموش شده است و همچنین پیشنهاد «آشتی ملی» در کادر قانون اساسی که شاید کمکی به بهبود حال کشور کند.

یادی از اعظم طالقانی که به تازگی چهلمین روز درگذشت او را پشت‌سر گذاشته‌ایم، در مقالات متنوعی به چشم می‌خورد. همچنین در پرونده

#### پیشخوان

«سقفی بر آرزوها» که نگاهی به سیاست‌های مسکن اجتماعی در ایران می‌اندازد، به گفت‌وگوهایی با عباس آخوندی، کمال‌اطهاری، محمدتوسلی، اعظم خاتم و سیدامیر منصوری پرداخته است. هرچند در بخش سیاست داخلی در مقالاتی از فائزه حسنی، علی اعرابی و حمیدرضا عریضی به انتخابات مجلس پرداخته شده است، ولی اکنون که آخرین روز ثبت‌نام‌ها را پشت‌سر گذاشته‌ایم به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان با قهر با این مقوله روبه‌رو شده‌اند و تعداد اندک ثبت‌نامی‌ها خود نکته‌ای است که باید واشکافی شود. در آستانه پایان سال میلادی هستیم و گزارشی از دولت‌های شکننده ۲۰۱۹ در بین مقالات این نشریه به چشم می‌خورد. در بخش چشم‌انداز اندیشه مقالاتی درباره مابرماس و فلسفه دین کانت و تفسیر ارزش‌گرا و



پدیدارشناسی وحی به چاپ رسیده است و در بخش چشم‌انداز تاریخ، احمد غضنفرپور به‌عنوان یکی از شاهدانی که هم‌زمان با حضور امام خمینی (ره) در نوفل‌لوشاتو

به‌سر می‌بردند نکاتی از آن دوران را بیان کرد. او این‌بار درباره اعتصاب غذا در کلیسای سن مری نوشته است که سبب شد «نوفل‌لوشاتو در صدر اخبار جهان» قرار گیرد.

این شماره دومانه‌ماه در ۱۲۸ صفحه و با قیمت ۴ هزار تومان منتشر شده است.